

## باز نمایی استثنای ذی نفعی ثالث در عقد<sup>۱</sup>

علمی - پژوهشی

پرویز باقری<sup>۲</sup>

### چکیده

اصل نسبی بودن قرارداد حاکی از آن است که عقد فقط نسبت به طرفین قرارداد و قائم مقام قانونی آنان مؤثر است. لذا اشخاصی غیر از طرفین و قائم مقام آنها حق دخالت در دعوی راجع به آن قرارداد و توافق را ندارند. در مقابل استثنائاتی بر این اصل وارد است که حدود آن را بعضاً قانون و یا قرارداد با معیار ذی نفعی مشخص می نماید. اهلیت مدعی جزء شرایط اساسی می باشد که قانونگذار ما در تبیین آن با چالش مواجه گردیده است. از جمله چالش‌های نوین ذینفعی ثالث در عقد حوزه حقوق مالکیت فکری و مساله توافق ائتلافی حق اختراع و قرارداد لیسانس و فرند فن آوری است. سوال این است که چگونه می توان ذی نفعی ثالث در چنین قراردادهایی را تبیین نمود؟ در عین حال اداره فضولی مال غیر و فروش آن از جمله موضوعات دیگری است که در مساله ذی نفعی ثالث نیازمند تبیین و شرح و بسط است. سوال قابل طرح دیگر آن است که آیا ذی نفعی ثالث در عقود همچون نفع ثالث در تعهد به نفع ثالث از اصل نسبی بودن قراردادها فاصله گرفته اند؟ این اصل اقتضای آن را دارد که اثر عقد به طرفین و قائم مقام آنان برسد و برای ثالث نمی توان چنین حقی متصور بود. مقاله حاضر تلاش می نماید تا با نگاهی نو و به مدد روش تحلیل انتقادی و تحلیلی-توصیفی ضمن بررسی استثنای وارد بر ذی نفعی ثالث در عقد، چالش‌های حقوقی آن را مورد مذاقه قرار داده و پاسخی در خور به پرسشهای فوق ارائه نماید.

**کلید واژه‌ها:** ذی نفعی ثالث، اصل نسبی بودن قرارداد، توافق ائتلافی، اداره فضولی مال غیر.

<sup>۱</sup> - تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

<sup>۲</sup> دانشیار گروه حقوق دانشگاه ایلام، ایلام، ایران p.bagheri@ilam.ac.ir

## ۱- مقدمه

اگر چه مساله ذی نفعی ثالث در عقد از موضوعات پر سابقه تاریخی است که مورد تعرض اقوال و آرای فقها و حقوقدانان متقدم قرار گرفته اما توسعه فن آوریهای نوین در دنیای مبادلات و معاملات تجارت الکترونیکی به ویژه موضوعات حوزه حقوق مالکیت فکری همچون لیسانس فرند (منصفانه، معقول و غیر تبعیض آمیز)<sup>۱</sup> فن آوری و حقوق اعضای این سازمان و مساله توافق ائتلافی حق اختراع و ذی نفعی ثالث در چنین قراردادهایی مستلزم نگاهی نو به این نهاد حقوقی است. ضرورت طرح مساله انجایی است که پیشرفتهای بشری در حوزه انعقاد قراردادها و ذی نفعی ثالث در قراردادهایی همچون تعهد فرند یا قراردادهای لیسانس و توافق ائتلافی حق اختراع، الزام پرداختن به مسائل حقوقی پیرامون این موضوع را دو چندان می نماید. حقوق ذی نفعان ثالث در قراردادهای پیش گفته که امروزه به امری مبتلابه مبدل گشته، ضرورت پرداختن به این موضوع را بایسته ساخته است. از زمانی که افراد انسان برای رفع نیازهای خویش مجبور به مبادله کالاهایشان با همدیگر بوده اند، اختلافاتی هم بر سر منافع موضوع معاملاتشان پیدا کرده اند. مسأله ی حول این موضوع این است که برخی افراد خارج از قرارداد، با عقد و طرفین آن ارتباط حقوقی می یابند (ثالث در عقد) یعنی برای آنها نفع وجود دارد که روز به روز با توجه به پیشرفت بشر و ارتباطات بر ابهام حقوقی آن ها و نیاز به تحقیقات محققین برای رفع آن ها افزوده می شود. از جمله چالش های نوین ذینفعی ثالث می توان به قراردادهای لیسانس<sup>۲</sup> یا توافق ائتلافی حق اختراع اشاره کرد. قرارداد لیسانس (License) مجرای برای اعطای حقوقی در عرصه اموال فکری است که طی آن دارنده مال فکری به شخص دیگری اجازه بهره برداری از تمام یا بخشی از حقوق فکری خود را مطابق شرایط معین و برای مدت معین و در قلمرو مشخص و با تحدیداتی واگذار می کند، بی آنکه به طور تبعی حق تعقیب و اقامه دعوا علیه لیسانس گیرنده را داشته باشد. دیگر آن که در قرارداد لیسانس فرند فن آوری که در آن قرارداد فرند توافقی میان دارنده فن آوری و سازمان است، اعضای سازمان بی شک ذی نفع این قرارداد محسوب گردیده و می توانند اجرای تعهد فرند را بخواهند (Schwartz & Scott, ۲۰۱۵, ۳۲۶). در چنین حالتی نه تنها اعضا

<sup>۱</sup> Fair, Reasonable, And Non-Discriminatory (FRAND)

<sup>۲</sup> License

بلکه اشخاص ثالث نیز می‌توانند در فناوری‌های تحت ائتلاف ذینفع باشند. نکته دیگر آن که در قرارداد لیسانس، لیسانس گیرنده «بالقوه» می‌تواند «استفاده‌کنندگان احتمالی» یا ثالث باشد که اگر شخصی خواهان انعقاد قرارداد لیسانسی با ائتلاف باشد تا قبل از این که قراردادی با او منعقد شود، چون هنوز لیسانس گیرنده محسوب نمی‌شود، لیسانس گیرنده بالقوه نامیده شده و شناسایی او به عنوان ذی نفع ثالث در چنین عقدی بلا اشکال است. مضافاً آن که در مواردی که کالای توزیع شده توسط لیسانس گیرنده و یا به طور کلی فعالیت‌های او به اشخاص ثالث زیانی برساند، ممکن است مسؤولیت لیسانس دهنده نیز مطرح گردد و او خواننده دعوی واقع شود (روحی زاده و عباس تبار، ۱۳۹۶، ۱۲۳). مقاله حاضر تلاش می‌نماید تا ضمن تبیین ذی نفعی ثالث در قراردادهای نوپیدی همچون قرارداد لیسانس و لیسانس فرند فن آوری و توافق ائتلافی حق اختراع، مباحث دیگری از جمله ذی نفعی ثالث در اداره فصولی مال غیر و فروش مال غیر و نفع ثالث در آنها (فروشنده مال غیر و اداره کننده مال غیر) را نیز مورد مذاقه حقوقی قرار دهد.

## ۲- پیشینه ی بحث

علمای فقهی همچون شهید اول در اثر گرانقدر الدروس الشرعیه، حسینی عاملی در مفتاح الکرامه، شیخ انصاری در مکاسب، آیت الله خویی در مبانی عروه الوثقی، دکتر محقق داماد در مقاله تعهد به نفع ثالث در فقه امامیه، و برخی دیگر از فقها در آثار خود متعرض تعهد به نفع ثالث و به طریق اولی ذی نفعی ثالث در عقد گردیده و اشتراط خیار برای اجنبی (شخص ثالث) را در صورتی که مالک عبد خود را بفروشد جایز دانسته‌اند. تحلیل‌های فقهی فوق در بحث اداره فصولی مال غیر مفید این مقاله بوده است. Lerner اثر خود "تصمیم‌گیرندگان قواعد لیسانس" و Schwartz در "ذی نفعی ثالث و شبکه قراردادی"، معتقدند که در حق اختراع، صاحبان اختراع با یکدیگر توافق می‌نمایند که اشخاص ثالث حق استفاده از مال فکری را داشته باشند. از آنجا که این نظرات به نوعی ذی نفعی ثالث در قرار داد توافق ائتلافی را رسمیت بخشیده، مورد استفاده در این مقاله می‌باشد. نویسندگان داخلی همچون بهرامی در معامله فصولی و انتقال مال غیر، حسینی در حقوق تجارت، اسکینی در کتاب حقوق تجارت (اسناد تجاری) و کاتوزیان در قواعد عمومی قراردادهای، و نویسندگان خارجی همچون برگ در کتاب انتقال ریسک و شلت چین در اثر خود با نام نقدی بر کنوانسیون بیع کالای ملل متحد به مسئله ذی نفعی در قراردادهای ارفاقی و قراردادهای دسته جمعی کار اشاره نموده‌اند. بحث ذی نفعی ثالث در قراردادهای مذکور علاوه بر شباهت موضوع به نهاد اعتراض ثالث، در بحث اصل نسبی بودن قرارداد و فاصله گرفتن آن از تعهد ثالث به نفع ثالث میتواند مورد استفاده این مقاله

قرار گیرد. صفایی و رحیمی در کتاب مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تکلیف ذی نفعی اداره کننده فضول را در اموال و اقداماتی دانسته اند که با توجه به وظایف او با قیام مجاز به انجام آن نمی باشد. اثر مذکور پاسخ روشنی به اینکه آیا اداره کننده فضول در طرح دعوی راجع به اموالی که حق معامله در مورد آنها را نداشته ذی نفع به شمار می آید یا خیر ارایه نکرده است. عیسائی تفرشی در تحلیل ماده ۱۰۷ قانون برنامه توسعه پنجم، ذی مدخل بودن ذی نفعی ثالث در گروه اقتصادی با منافع مشترک موضوع ماده ۱۰۷ قانون برنامه توسعه را قابل تصور دانسته است. این اثر ضمن تطبیق موضوع با شرکتهای غربی همچون جوینت ونچر در امریکا می تواند به تحلیل مباحث ذی نفعی ثالث در قراردادهای فن آوری نوین کمک نماید. ذی نفعی در بحث فاکتورینگ با حق رجوع نیز قابل بحث است که در آن سه شخص ذی نفع مطرح می باشند: عامل یا مؤسسه ی عاملیت، فروشنده یا صادر کننده است که به نوعی مشتری عامل میباشد و بدهکار که در واقع مشتری فروشنده است. (شاهنده و ایزدی فرد، ۱۴۰۱، ۷۸) آنچه در تالیفات و کتب فقهی و حقوقی پیش گفته در خصوص ذی نفعی ثالث به بحث گذاشته شده تفسیری و شامل نظریات محققینی است که بعضا محل اختلاف نظر می باشند. از آنجا که مقاله حاضر به استثنای ذی نفعی ثالث در عقد از جمله نهادهای حقوقی نو پدید می آید همچون توافق ائتلافی حق اختراع، قرار داد لیسانس، قرار داد لیسانس فرند فناوری و اداره فضولی مال غیر که بر گرفته از نیازهای حقوقی جامعه است، می پردازد لذا می توان ادعا کرد که اثر حاضر ضمن بهره بردن از آثار مکتوب پیش گفته حاوی نگاهی نو به ذی نفعی ثالث در عقد می باشد.

### ۳- تعریضی بر ویژگیهای نفع

از جمله ویژگیهای عنوان شده برای نفع و ذی نفعی در عقد می توان به قانونی و شرعی بودن (مورد حمایت قانون و شرع)، به وجود آمده و باقی (منوط به وجود شرط یا معلق به وقوع امری نباشد) و شخصی و مستقیم بودن نفع (یعنی انتفاع سودی مادی یا معنوی در فرض حاکمیت در پرونده مطروحه به صورت بدون واسطه به مدعی) اشاره نمود. آنچه حائز اهمیت است آن که رویکردهای نوینی را می توان به ویژگیهای ذکر شده مترتب دانست. به عنوان مثال از مباحث نوین قابل طرح در خصوص ویژگی باقی بودن نفع و ذی نفع می توان به بحث دعوی راجع به آینده اشاره نمود. مثال واضح این قضیه مربوط به بحث یارانه ها می باشد. به عبارت بهتر تشریح مسأله باقی بودن یارانه ها و به تبع آن طرح دعوی راجع به آن به این نوشته مربوط و مفید مطلب می باشد. باید گفت اتخاذ تصمیم در مورد باقی بودن یا نبودن یارانه ها در حیطه ی اقتدارات طرفین دعوی نیست. بنابراین اگر قراردادی راجع به آن منعقد بشود و بعد از انعقاد آن چنانچه گفته شود بنابر

تصمیم مقامات مربوطه تعهد به پرداخت ممکن نیست در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا متعهد پرداخت یارانه‌ها که تمام اقدامات قانونی لازم را برای برداشت آن توسط متعهدله انجام داده است تکلیف مجدد به سپردن تعهد در قبال بقیه تعهد را دارد؟ یا این متعهدله است که از باب اراده آزاد خویش و با وصف خارج بودن قطع یارانه‌ها از حیطه اقتدارات متعهد آن را به عنوان ضمانت پذیرفته است و این سرنوشت را برای خویش رقم زده است. آنچه در جامعه ما هم اکنون اجرا می‌شود با وصف مطرح بودن مسائلی در زمینه حذف برخی یارانه‌ها کماکان بر معتبر بودن یارانه‌ها دلالت دارد. از جمله اینکه کسانی که از موسسات مالی تسهیلاتی را اخذ نموده‌اند توانسته‌اند با وصف مردد بودن ادامه یارانه از آن به عنوان ضمانت تسهیلات اتخاذی خویش استفاده نمایند. آراء دادگاهها نیز دلالت بر تأیید باقی بودن یارانه و در نتیجه مسموع دانستن دعوی ناشی از آن می‌باشد. در کل باید گفت با توجه به مردد بودن باقی بودن یارانه‌ها و عدم حصول شرط دوم از شرایط ذی نفعی، در مقابل با توجه به رویه قضایی و عرف جامعه دال بر پذیرش دعوی ناشی از یارانه‌های آینده می‌توان باقی بودن نفع در یارانه‌های آینده را استثنایی بر شرط دوم از شرایط ذی نفعی به حساب آورد. در خصوص ویژگی شخصی و مستقیم بودن نفع، ذکر این نکته لازم است که در نفع مستقیم باید سود مادی یا معنوی در فرض حاکمیت در پرونده مطروحه به صورت بدون واسطه به مدعی برسد. رویکرد نوین به چنین ویژگی را می‌توان در قراردادهای لیسانس یا در توافق ائتلافی حق اختراع مورد مذاقه قرار داد. از آنجایی که در توافق ائتلافی یا قراردادهای لیسانس دارنده مال فکری مستقیماً به شخص دیگری اجازه بهره برداری از حقوق فکری خود را می‌دهد لذا تصور ذی نفعی ثالث در چنین قراردادهایی با لحاظ شرط شخصی و مستقیم بودن نفع دور از ذهن نمی‌نماید. با این حال در نفع مستقیم بودن ممکن است نفع موجود باشد اما به صورت غیر مستقیم به شخص برسد که باز مورد نظر قانون برای حصول شرایط ذی نفع نیست در حالی که در نفع شخصی امکان اینکه اصلاً نفعی وجود نداشته باشد وجود دارد (علی محمدی، ۱۳۹۲، ۱۹، ۲۰).

#### ۴- ذی نفعی ثالث در حقوق مالکیت فکری

اگرچه مدخل ذی نفعی ثالث در عقد مورد تعرض بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است اما مساله ذی نفعی ثالث در حقوق مالکیت فکری از مباحث نو پدیداری است که نیازمند بازنمایی حقوقی است. یکی از مباحث نوین و قابل طرح در ذی نفعی ثالث اجرای تعهد فرزند یعنی اعطای لیسانس منصفانه، معقول و غیر تبعیض آمیز در قراردادهای لیسانس فرزند فن آوری است. از آنجایی که قرارداد فرزند توافقی میان دارنده فن

آوری و سازمان است و اعضای سازمان ذی نفع قرارداد محسوب می گردند، لذا ذی نفع ثالث اگر چه طرف قرارداد نیست اگر در قرارداد نفع مستقیم داشته باشد، می تواند اجرای تعهد را مطالبه نماید. اساساً لیسانس فرند به منظور تامین منافع مجریان استاندارد طراحی شده تا دسترسی به استانداردها را با حق امتیاز معقول برای هر شخصی که خواهان اجرای استاندارد باشد تضمین نماید. (رهبری و یزدان دوست، ۱۳۹۷، ۳۸۵)

بنابراین مجریان استاندارد در مقام ذی نفع ثالث این قرارداد می توانند اجرای آن را از مراجع ذیصلاح تقاضا نمایند. (Arsego, ۲۰۱۵, ۲۵۷) برای مواجهه با حقوق مالکانه اشخاص به منظور اجرای استاندارد در داخل کشور تا کنون راهکار قانونی و حقوقی ارایه نگردیده و از طرفی ماده ۱۴ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد نیز تکلیف را به سکوت بر گذار نموده است. در حالی که مستتب از ماده ۱۰ قانون مدنی چنانچه قراردادی در این زمینه فی مابین مخترعین و سازمان استاندارد منعقد و در آن دسترسی به فن آوری استاندارد شده به صورت منصفانه و معقول و بدون تبعیض (فرند) برای کاربران تضمین گردد، به اعتبار و الزام آن نمی توان خشه ای وارد نمود. مضافاً آن که به تصریح ماده ۱۹۶ قانون مدنی و آرای حقوقدانان و فقها نفوذ تعهد به نفع ثالث در ضمن معامله ای که شخص برای خود می نماید بلا اشکال است. نتیجه آن که بنگاههای کشور ما نیز در صورتی که استاندارد پیش گفته لازم الاجرا باشد یا شرایط استفاده از آنها فراهم گردد، می توانند در مقام ذی نفع ثالث اجرای تعهدات لیسانس فرند را از دارندگان فن آوری ضروری استاندارد بخواهند.

نکته نوبنی دیگری که در بحث ذی نفعی ثالث قابل بحث می باشد موضوع ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه ایران است که برابر آن تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک را مجاز دانسته، و در نتیجه ذی مدخل بودن ذی نفعی ثالث در آن قابل تصور است. در عین حال مورد مشابه آن در کشورهای غربی همچون آمریکا شرکت «جوینت ونچر» است که اگر از نوع فاقد شخصیت حقوقی باشد، می تواند با گروه اقتصادی با منافع مشترک برابری کند. (عیسائی تفرشی، ۱۳۹۳، ۱۵۷) نکته قابل توجه آن که در ائتلاف، دیگر نمی توان گفت، فوت یا حجر موجب انحلال می شود (تبصره ۳ ماده ۱۰۷)؛ چراکه این امر باهدف ائتلاف خصوصاً حفظ حقوق اشخاص ثالث در تضاد است. این امر در چنین قراردادهایی که فناوری با حجم بالای خود عرضه می شود، توالی فاسد دارد. در بحث نوین ذی نفعی ثالث در توافق ائتلافی حق اختراع می توان گفت که اگر چه توافق ائتلافی شاهراهی اطلاعاتی است که باعث می شود مصرف کنندگان از تولید و دسترسی به کالاهای جدید و فراوان بهره مند شوند با این حال این مساله توافقی بین دو یا چند دارنده حق اختراع مبنی بر امکان لیسانس دادن یک یا چند حق اختراع خود به یکدیگر یا به شخص ثالث تلقی می گردد. در این حالت مالکیت عین

برای پدیدآورنده باقی می‌ماند و حق بهره‌برداری از مال فکری به طرف قرارداد واگذار می‌شود. (صادقی، ۱۳۹۰، ۱۴۲) توافق ائتلافی را می‌توان نوعی مدیریت فناوری دانست که به عنوان فرایند برنامه‌ریزی، جهت‌دهی، کنترل و هماهنگی توسعه و پیاده‌سازی توانمندی‌های فناورانه در راستای شکل‌دهی و تحقق اهداف راهبردی قابل تعریف است. (انصاری، ۱۳۹۱، ۲۲) به همین ترتیب در قرارداد توافق ائتلافی حق اختراع، صاحبان اختراع با یکدیگر توافق می‌کنند که حقوق انحصاری خود را نسبت به حق اختراع‌های تحت ائتلاف اسقاط کنند؛ بدین منظور که به هم دیگر یا اشخاص ثالث حق استفاده از مال فکری را بدهند. لذا اساس ائتلاف مربوط به از بین بردن حق انحصاری است. پس عقد ائتلافی یک عقد معوض است (Lerner, ۲۰۰۷: ۶۱۲) و در این عوض، دسترسی هر یک از طرفین به اختراع دیگری (مصونیت) یا تعیین حق الامتیاز با قیمت معین، مشخص گردیده است. از دیگر مباحث قابل طرح در ذی نفعی ثالث مرتبط با حقوق مالکیت فکری می‌توان به مساله قرارداد ارفاقی اشاره نمود. اصطلاح قرارداد ارفاقی بیانگر آن است که پس از توفانی پدید آمده از برخورد منافع متضاد، آرامش و سازش حکمفرما گشته است (Schelechtim, ۲۰۱۳, ۵۷۰). مجمع طلبکاران از شخصیت حقوقی بی بهره است و ناچار قرارداد بایستی به اتفاق یا به اکثریت باشد (Berg, ۲۰۱۵, ۲۵۴). اعضای این گروه از پیش به حکومت قانون اکثریت رضا نداده اند و ضرورت تصمیم‌گیری جمعی این قاعده را بر آنان تحمیل کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۸۰). ماده ۴۱۷ قانون تجارت بیان می‌دارد: «اگر در خصوص دعوی رأی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید». مبنای اعتراض شخص ثالث که با توجه به اصل نسبی بودن قرارداد، راجع به دعوی طرفین ثالث محسوب می‌شود و نباید اثر دعوا به او برسد و در حقوق وی تأثیر کند، این است که او در این اعتراض ذی نفع است و به نحوی می‌خواهد از حق و حقوقی که با صدور این حکم تضییع شده است دفاع کند (حسینی، ۱۳۹۲، ۶۸). اینکه اقلیت قرارداد ارفاقی را نخواستند از جهت طلب آنان باعث نشده است که حقوق آنان تضییع شود چرا که قرارداد ارفاقی فقط در مورد کسانی اجرا می‌شود که با آن موافقت کرده اند و به بقیه طلبکاران یعنی طلب اقلیت موافق آنچه تا آن لحظه از دارائی تاجر به آنان تعلق می‌گیرد پرداخت می‌شود (صفری، ۱۳۸۶، ۱۶۹). این مساله علاوه بر شباهت موضوع به نهاد اعتراض ثالث صرفاً از این حیث از اصل نسبی بودن قرارداد دور افتاده است که اکثریت مخالف اراده اقلیت این قرارداد را منعقد نموده اند، و گرنه اگر این قرارداد منعقد نمی‌شد با اقلیت

همان رفتاری می شد که قرارداد منعقد می گردید (فرحناکیان، ۱۳۹۱، ۳۵).<sup>۱</sup> بحث قابل طرح دیگری که می توان در ذیل ذی نفعی ثالث در حقوق مالکیت فکری مورد تعرض قرار داد قرارداد جمعی کار است. قراردادهایی که سندیکای کارگران با سندیکای کار فرمایان یا یکی از آنان درباره شرایط عمومی کار می بندند، قرارداد جمعی کار نامیده می شود. (ریپر و بولانژه ۲۸۲ به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۸۱) بدین ترتیب که، از آن پس هر قرارداد کار که بین اعضای سندیکاها بسته می شود محدود به شرایط پیمان جمعی است و نباید آن را نادیده گرفت. برای مثال، میزان دستمزد یا مرخصی کارگر را کمتر از مداخل مقرر در قرارداد جمعی معین کنند. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۸۱) در اینجا ابتدا نهاد حقوقی قرارداد جمعی کار را از این جهت که مشخص شود آثار قرارداد جمعی کار شبیه به کدام نهاد حقوقی است مورد مذاقه قرار می دهیم تا پس از آن بتوانیم قواعد ذی نفعی مربوط به آن نهاد حقوقی را بر آن بارنماییم. در توجیه این نهاد بعضی به نظریه نمایندگی روی آورده اند. امضاء کنندگان قرارداد یا سندیکا، وکیل سایرین هستند یا مدیر اموال آنان به شمار می آیند (Peter, ۲۰۱۳, ۷۶). ولی بر آن ایراد شده است که، در این صورت، نماینده مشمول قرارداد باشد، در حالی که قرارداد جمعی همه ی اعضا را پای بند می کند. برای گریز از این اشکال، پیشنهاد شده است که قرارداد جمعی به «تعهد به سود ثالث» تحلیل شود. بدین تعبیر که، سندیکا به سود کارگران پیمان می بندد و آنچه به دست می آورد برای آنان است. این تحلیل مشمول قواعد جمعی را، چنان که در قوانین کار آمده است، تأمین نمی کند، چرا که سندیکا برای خود پیمان نمی بندد و اثر قرارداد، نه تنها برای سندیکا، برای کار فرمایان و کارگران هم هست که در آینده قرارداد کار را امضاء می کنند، هرچند که در آن زمان عضو سندیکا نباشند. پس، به دشواری می توان آثار چنین قراردادی را با حاکمیت اراده و رضای متعهدان توجیه کرد. حکومت و گسترده ی قواعد ناشی از پیمان های جمعی کار بر اعضای سندیکاها بیشتر همانند حکومت قانون است که تصویب آن (انشاء آن) به حقوق عمومی ارتباط پیدا می کند. و به همین جهت آن را در شمار منابع حقوق نیز آورده اند (مارتی و رینو، ش ۳۳۲، به نقل از کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۸۱). فرجام سخن آن که، در قرارداد جمعی کار به مانند قوانینی که به تصویب رسیده و برای همه لازم الاجرا می شوند عمل شده و بر روابط کسانی که بعدها هم به این قرارداد می پیوندند حاکم می شود پس ذی نفعی در این نهاد را به

<sup>۱</sup> - تنها اثری که پذیرفتن یا رد کردن این قرارداد برای اقلیت دارد و بایستی در مورد هر کدام تنوع طلب ها یعنی ممتاز یا عادی به صورت جداگانه سنجیده شود این است که اگر قرارداد را بپذیرند بعداً اگر تاجر در معاملات خویش موفق بود امکان دارد سهم باقی مانده از طلب خود را نیز وصول کند که چون این اثر را ارادی پذیرفته است نمی توان آن را در موضوع مبحث جاری یعنی دخالت دیگران در اراده ی ثالث عقود که از اصل نسبی بودن قرارداد فاصله گرفته اند جاری دانست و آن را در بحث ذی نفع مربوط؛ و در نتیجه تفسیر نمود.



عنوان پیش فرض می توان تلقی نمود که هر کسی قصد معاملاتی در حیطه ی سندیکا داشته باشد آن را می بایست بپذیرد.

### ۵- ذی نفعی ثالث و اصل نسبی بودن قراردادها

گذشته از مبحث ذی نفعی ثالث در حقوق مالکیت فکری، ذی نفعی ثالث و اصل نسبی بودن قراردادها نیز از جمله مسائلی است که می توان به بررسی حقوقی پیرامون آن پرداخت. به نظر می رسد که ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران که الهام گرفته از مواد (۱۱۶۵ و ۱۱۲۲ قانون مدنی فرانسه) است، مبین یکی از اصول مهم حقوقی است که به نام اصل نسبی بودن قراردادها مشهور است. ماده ۱۱۶۵ قانون مدنی فرانسه بیان می دارد: «قراردادها جز در رابطه میان متعاقدين اثر ندارد. آنها هیچ زبانی به شخص ثالث نمی‌رسانند و سودی جز در مورد پیش‌بینی شده به وسیله‌ی ماده ۱۱۲۱ عاید او نمی‌گردانند». ماده ۱۱۲۲ نیز بیان می‌دارد: «فرض بر این است که شخص برای خود و برای وارثان و قائم‌مقام خویش قرارداد بسته است، مگر آنکه خلاف آن تصریح شده و یا از طبیعت عقد منتج گردد». ماده ۲۳۱ قانون مدنی، مبین این معناست که قرارداد فقط درباره طرفین آنها و قائم‌مقام آنان مؤثر بوده و نمی‌تواند نسبت به اشخاص ثالث اثری داشته باشد. این قاعده یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده بوده و به موجب آن، آثار عقد فقط باید دامنگیر اشخاصی شود که در ساختمان اصلی عقد دخالت داشته‌اند. مستنبط از مواد ۱۹۶، ۲۱۹ و ۲۳۱ قانون مدنی هیچ کس نمی‌تواند اراده خود را به دیگری تحمیل و بدون رضایت وی حق یا تکلیفی برای او ایجاد نماید (اصل نسبی بودن عقد). بنابراین معاملات و عقود تنها در مورد متعاملین و قائم‌مقام قانونی آنها مؤثر می‌باشد هرچند چنین قراردادی می‌تواند در برابر ثالث قابل استناد باشد (دولاح، ۱۳۹۰، ۱۶ و ۱۷). به عبارت دیگر این اصل بیانگر حاکمیت اراده است که به موجب آن هیچ کس نمی‌تواند اراده خود را بر دیگری تحمیل نموده و بدون اینکه سمتی داشته باشد، دینی و یا حقی را بر عهده او واگذارد و یا حقی را برای او به وجود آورد و یا از او سلب نماید. (محقق داماد، ۱۳۸۹، ۱۶) «ثالث» یا «شخص ثالث» اصطلاحاً به کسی اطلاق می‌شود که: الف) طرف عقد نیست و قائم‌مقام هیچ یک از متعاقدين نمی‌باشد. (ماده ۲۳۱ قانون مدنی) ب) طرف عقد نیست، هر چند که قائم‌مقام یکی از طرفین باشد. (ماده ۳۹۹ قانون مدنی) ج) بیگانه نسبت به امری که دو طرف دارد، مانند ثالث نسبت به متداعیین یک دعوا (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۳۷۸). در هر حال ایجاد تعهد قراردادی به نفع شخص ثالث در تمام نظام های حقوقی از لحاظ نظری با مشکلات خاصی رو به رو است. منشاء مشکلات، وجود اصل یا قاعده ای است که به اصل اثر نسبی قرارداد معروف است. به موجب مفهوم اولیه این اصل، که بیشتر در

حقوق روم رواج داشت، قرارداد امری کاملاً شخصی به حساب می آمد و آثار سوء حقوقی آن از کسانی که امور شکلی و تشریفاتی آن را انجام می دادند منتزع نبود (Zimmermann, ۲۰۱۴: ۱۴). مهم ترین استثنای وارد بر اصل نسبی بودن قرارداد "تعهد به نفع شخص ثالث" است که می توان آن را چنین تعریف کرد: «التزامی است که از قرارداد منعقد بین دو طرف، یکی به عنوان شرط کننده یا متعهد له و دیگری به عنوان مشروط علیه یا متعهد، به سود بیگانه ای که در انعقاد قرارداد، مستقیم یا غیر مستقیم دخالتی ندارد، حاصل می شود». (محقق داماد، ۱۳۷۹، ۱) فقهاء در بحث خیار شرط به صراحت بیان کرده اند که جعل خیار برای شخص ثالث جایز است بدون اینکه به قبول شخص ثالث نیازی باشد همچون عقد ضمان که عقد بین طلبکار و ثالث است و شخص ثالث همون مدیون است که اراده او در عقد تأثیری ندارد (خوئی، ۱۴۱۴، ۲۴۳). اگر مالک عبد او را بفروشد و برای او خیار قرار دهد، بیع و شرط نزد ما امامیه صحیح است. به بیان دیگر در مورد اجنبی (شخص ثالث) نقل اجماع شده است زیرا عبد به منزله اجنبی است (علامه حلی، ۱۳۹۹، ۵۲۱). از نگاه شهید اول نیز اشتراط خیار برای اجنبی (شخص ثالث) جایز است (مکی عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۴، ۲۶۸). صاحب مفتاح الکرامه ادعای اجماع بر صحت شرط برای شخص ثالث کرده است (حسینی عاملی، ص ۵۶۲) به عقیده شیخ انصاری جعل خیار برای اجنبی (شخص ثالث) صحیح است (انصاری، ۱۴۳۴، ۵). در جایی دیگر گفته است: جایز است که متعاقدين، استیمار یعنی مشورت خواهی را شرط کنند، به این صورت که مشروط علیه عقد (یعنی کسی که استیمار را علیه خودش شرط کرده) در مورد عقد با شخص ثالث مشورت کرده تا امرش را بپذیرد و عمل نماید (همان، ۱۲۵) کفایت یک اداره در بیع الخیار، از این فهمیده میشود که طرفین معامله یا یکی از آن دو میتوانند برای شخص ثالث حقی ایجاد کنند بدون اینکه نیازی به قبول باشد. شیخ انصاری در بیع الخیار میگوید: این خیار نزد ما فقهای امامیه جایز است، و بیع الخیار عبارات است از اینکه: شخصی چیزی را بفروشد و خیار را تا مدتی برای خودش شرط نماید، به این صورت که ثمن را در آن مدت رد کند و مبیع را تحویل بگیرد (انصاری، ۱۴۳۴، ۱۲۷). با این حال موضوع تعهد به نفع ثالث در مناقصه ها و مزایده ها چنانچه بیم تبانی برود، جوازی برای چنین تعهدی محل ایراد است.

### ۶- ذی نفعی در تعهد به سود ثالث نامعین

از دیگر موضوع های قابل بررسی و واجد ضرورت در پژوهش حاضر می توان به ذی نفعی در تعهد به سود ثالث نامعین اشاره کرد. ماده ۲۴ قانون بیمه مقرر می دارد: «وجه بیمه... به ورثه قانونی متوفی پرداخت می شود، مگر اینکه در موقع عقد بیمه یا بعد از آن در سند بیمه قید دیگری شده باشد، که در این صورت

وجه بیمه متعلق به کسی خواهد بود که در سند بیمه اسم برده شده است». اگر بیمه گذار نخواهد یا نتواند ذی نفع را انتخاب و معین کند، تعهد باید به مرجع طبیعی خویش باز گردد که در اینجا بعد از مرگ بیمه گذار ورثه او می باشند. بدین ترتیب منتفع از سود نامعین، مشخص گردیده و در هر حال اشخاص ذی نفع چه شخصی که بیمه گذار بعدا معین نموده و چه ورثه او حق مطالبه وجه بیمه را دارند. به لحاظ عملی نیز آنچه در این نهاد حقوقی اهمیت ویژه دارد برقراری حقی مستقیم و مستقل برای شخص ثالث است. حق مستقیم یعنی اینکه با انعقاد قرارداد؛ حق؛ بدون نیاز به قبول شخص ثالث، مستقیماً وارد دارایی او می شود و در معرض ادعاهای طلبکاران یا وارثان شرط کننده قرار نگیرد. وحق مستقل یعنی اینکه شخص ثالث بتواند رأساً اجرای تعهدی را که به نفع او شده از متعهد مطالبه کند (Kritzer, ۲۰۱۴, ۴۵۹). موضوع مستقیم بودن و استقلال حق از منظر فقهی نیز مورد توجه واقع شده و موارد زیادی وجود دارد که در آن فقها اراده ی یکطرفه را برای انتفاع از سود نامعین کافی دانسته اند. از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: در عقد کفالت که ایجاب و قبول بین کفیل و مکفول له است و اراده و رضایت و اذن مکفول عنه (شخص ثالث) شرط نیست (جبعی عاملی، ۱۳۹۶، ۱۵۵). و یا در وصیت تملیکی که عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از مرگش به شخص مجاناً تملیک کند، اینجا اراده و رضایت آن شخص شرط نیست و دخالتی ندارد (همان، ۱۱). نمونه دیگر عقد مضاربه است. در عقد مضاربه نیز در صورتی که منوط شود که تمام سود به شخص ثالث تعلق بگیرد صحیح است و رضایت و اراده ی شخص ثالث شرط نیست (طوسی، بی تا، ۳۸). در عین حال و در عقود همچون هبه، نذر و صدقه به نحو شرط نتیجه نیازی به قبول طرف مقابل ندارد در حالی که موجب ملکیت اومی شود (محقق اصفهانی، ۱۴۱۸، ۴۰؛ یزدی، بی تا، ص ۳۱). و یا در شرط فروختن مبیع به کمتر از ثمن المثل به شخص ثالث در حالیکه شخص ثالث طرف متعاملین نیست (نائینی، ۱۴۲۳، ۳۲ و ۴۳) و یا در اجاره ابدان (اشخاص) که مستاجر کسی را اجیر می کند تا اینکه کاری برای شخص ثالث انجام دهد (امام خمینی، ۱۹۳، ۱۳۸۱) نمونه هایی از مواردی است که فقها اراده یکطرفه بدون اذن ثالث را کافی دانسته اند. با این حال در خصوص شرط رضایت ثالث، فقها آن را در قالب اول شرط ضمن عقد و دوم به صورت عقد مستقلی مطرح نظر قرار داده اند. توضیح مورد اول آنکه شرط ضمن عقد به نفع شخص ثالث در متون روایی و فقهی به صورت شرط فعل و شرط نتیجه مطرح شده است. شرط فعل مثل شرط هبه به سود شخص ثالث (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۹، ۳۱، ۳۱، ۱۱۹، ۱۳۳ و ۳۱۱) و نیز مثل شرط فروش مبیع و قرض دادن مبیع به شخص ثالث با شرط فروش بیع با نرخ معین به شخص ثالث (حلی، بی تا، ۲۳۵ و ۱۰۳

و ۱۲۱ و ۱۲۳) نیز مثل شرط تأمین شخص ثالث ضمن عقد نکاح (گیلانی قمی، بی تا، ۱۵۳ و ۱۴۶) و شرط ضمن عقد به صورت نتیجه مثل شرط خیار برای شخص ثالث (طوسی، بی تا، ۳۸ و ۲۷۷). در حالت اول (شرط به صورت ضمن عقد بیاید) می توان گفت ذی نفع ثالث حق مطالبه دارد و در این حالت اگر مشروط علیه شرط را وفا نکند مشروط له حق فسخ معامله را می یابد نه ثالث. دلیل آن هم این است که علاوه بر این شرط که برای ثالث در نظر گرفته شده است سودی مادی یا معنوی برای مشروط له وجود دارد که این سود حتی در عقود مجانی با شرط تعهد به نفع ثالث هم دیده می شود. بنابراین، مشروط له بایستی در فسخ معامله به علت عدم وفاء به شرط، تصمیم بگیرد.<sup>۱</sup> و در حالت دوم (شرط به سود ثالث به صورت عقد مستقل بیاید) به نظر می رسد اگر نتوان اراده ی مشروط له را از قرارداد یا توافق آن ها به دست آورد (اینکه آیا حق مطالبه را برای ثالث قائل شده اند یا خیر) باید قائل به جواب مثبت بود (Hamzah & Ahmad, ۲۰۱۵, ۳۴). از منظر فقهی نیز اگر در مورد ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث (بدون اینکه قبول و رضایت در کار باشد) شک و تردید شود، اصل صحت جاری می شود چرا که عمل مالک در اقدام به نفع شخص ثالث صحیح است. بر اساس اصل صحت اگر فعل و عملی اعم از عقد، ایقاع و... در صورتی که شک در آن شود که صحیح است یا باطل، انرا بر صحت حمل می نماییم (ایروانی، ۱۳۹۰، ۷۴). در تبیین مورد دوم می توان گفت شرط گاهی ممکن است به صورت عقد مستقل و به نفع ثالث باشد. در متون روایی و فقهی امامیه قراردادهایی مطرح و معتبر شناخته شده که یکی از عوضین آن ها تعهد به نفع شخص ثالث است (محقق داماد، ۱۳۷۹، ۸). مانند قرارداد مضاربه با قید اینکه تمام ربح به شخص ثالث داده شود. اجاره اشخاص به نفع شخص ثالث (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۱۹۳) و جعاله به نفع شخص ثالث (کرکی، ۱۴۰۸، ۱۹۱) با عنایت به تحلیل قانونی فوق و نظرات فقها بنابراین قابلیت تعیین برای اشخاص ثالث در یک عقد، حتی اگر این اشخاص نا معین باشند کفایت می کند. از منظر تطبیقی نیز محاکم فرانسه در مورد قرارداد بیمه در آغاز کار اینچنین می اندیشیدند که تا هنگام تعیین ذی نفع تعهد به سود دارایی بیمه گذار است و از آن پس ذی نفع تعیین شده وصف طلبکار را پیدا می کند (ریبر و بولانژه، ۲۰۱۷: ۶۴۷ به نقل از؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۳۱). عیب مهم این تحلیل قرار گرفتن طلب بیمه گذار در زمره دارائی او بود که وثیقه ناقص طلبکاران قرار می گرفت. به همین جهت

<sup>۱</sup> - البته اگر حق فسخ به وجود بیاید مثلا در عقد نکاح با شرط به سود ثالث حق فسخ به وجود می آید.

ناچار تصمیم خود را اصلاح کردند و پذیرفتند که تعیین بیمه گذار در گذشته نیز اثر دارد و از هنگام عقد او را طلبکار می‌کند (مازو و فرانسوا شاباسی به نقل از؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۳۱).

## ۷- نفع و ذی نفعی در معامله فضولی و انتقال مال غیر

در ارتباط بین اصیل و فضول اصل بر این است که، فضول ذی نفع می‌باشد. فضول خواه معامله را به تصور اینکه خودش صاحب مال است (م. ۳۰۴ قانون مدنی) یا معامله را برای مالک انجام داده باشد (م. ۲۴۷ قانون مدنی) ذی نفع محسوب می‌گردد. چرا که فضول در هر صورت برای به دست آوردن حداکثر سود در معامله تلاش می‌کند و در هر دو حالت در دعوی احتمالی با اصیل ذی نفع محسوب می‌گردد. در ارتباط با فضول و مالک بین دو حالت رد یا تنفیذ معامله توسط مالک باید قائل به تفکیک شد. در رد معامله اصل بر این است که فضول در اختلافات حاصله ذی نفع محسوب نمی‌شود. زیرا حق و حقوقی از دید قانون برای وی در نظر گرفته نشده است و اگر موردی باشد جزء استثنای محسوب می‌شود. مثال برای رد معامله: مالک معامله را رد کرده است اما منافع مال که در این مدت در ید متصرف (اصیل) بوده است را؛ از فضول و از باب تسبیب دریافت کرده است. در این حالت فضول با استناد به ماده ۲۵۹ قانون مدنی ذی نفع محسوب شده و می‌تواند برای استرداد آنچه من غیر حق به مالک داده است علیه او طرح دعوا کند. اما برای حالت دیگر (اجازه معامله)، باز باید بین دو مورد قائل به تفکیک شد: عمل مادی عقد فضولی گاه به اسم مالک و گاه به نام خود شخص فضولی است. مانند اینکه فضول به جهت جلوگیری از خرابی منزل دیگری اقدام به تعمیرات و اصلاحات کرده یا از خراب شدن محصول دیگری جلوگیری نماید و یا پزشکی را بر بالین بیمار بیاورد. حال چنانچه فضول اعمال مزبور را برای صاحب پول انجام دهد، استحقاق اجرت و حق رجوع را به صاحب عمل از حیث منافع و سود و افزایش قیمت دارد. از این رو ملاحظه می‌گردد اعمال فوق نافع و سودمند است (بهرامی، ۱۳۹۲، ۱۹). در این حالت فضول حق دریافت اجرت و حق الزحمه را دارد و مستنبط از ماده ۳۳۶ قانون مدنی اصل بر عدم تبرع است مگر اینکه قصد تبرع داشته باشد. حالت دیگر آن که گاه عمل برای خود شخص فضول است که در این جا معامله فضولی نیست اما می‌تواند در حکم معامله فضولی باشد. بنابراین چون اعمال انجام شده برای رسیدن به سود را برای خود انجام می‌دهد نمی‌تواند آن‌ها را از صاحب مال مطالبه نماید یعنی اگر این اعمال بنام و برای صاحب عمل صورت نپذیرد، عمل فضولی محسوب نبوده و در نتیجه، شخص مزبور استحقاق دریافت اجرتی را نخواهد داشت. بنابراین، یک نظر آن است که صرف حصول نفع کفایت نمی‌کند بلکه لازم است اولاً- عمل مزبور ضروری باشد و دوماً- بنام و به مصلحت

صاحب عمل بوده باشد (بهرامی، ۱۳۹۲، ۲۸). در این حالت، وضعیت فصولی که در اثنای انجام معامله فصولی خود متحمل هزینه هایی گردیده است همچنان محل ابهام باقی خواهد ماند، (Hakimah, ۲۰۱۵، ۵۰۳). اداره فصولی مال غیر با حقوق اسلامی هماهنگی دارد. چنانچه از آیه ۶۰ سوره مبارکه الرحمن (هل جزاء الاحسان الا احسان) چنین استفاده می شود که برای تشویق نیکوکاری در جامعه علاوه بر رفع ضمان ناشی از استیلا بر مال غیر، به پرداخت هزینه های لازمی که نیکوکار تحمل کرده و متقبل شده است نیز حکم داده می شود. این امر امروزه با قاعده احسان سازگار است، و احسان همانطور که فقها گفته اند، امری عرضی است (حسینی مراغه ای، ۱۴۱۷، ۴۷۹). آنچه مربوط به تحقیق حاضر است و به بحث ذی نفع مربوط می باشد، این نیست که چرا مالک بایستی طرف قراردادی به شمار آید که در وقوع آن هیچ دخالتی نداشته است. در تعریف ذی نفعی بیان شد که یکی از شرایط طرح دعواست به طوری که اگر در دعوی مطروحه حاکم شود سودی عاید وی می شود. حال اینکه سودی که در اداره کردن این اموال مستتر است وجود خارجی ندارد یعنی به عقیده حقوقدانان علت این کار احسان می باشد با توجه به کلمه ی " و امثال آن ها" شامل اشخاص دیگر نیز می شود (کاتوزیان، ۳۹، ۱۳۹۰). مستنبط از ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی، نکته ای که حائز اهمیت است تکلیف ذی نفعی اداره کننده ی فضول در اموال و اقداماتی است که با توجه به تشابهات وظایف او با قیم، مجاز به انجام آن ها نمی باشد و سؤالی که مطرح می شود این است: آیا اداره کننده ی فضول در طرح دعوی راجع به اموالی که حق معامله در مورد آن ها را نداشته است ذی نفع به شمار می آید یا خیر؟ برای پاسخ این سؤال باید بین دو مورد قائل به تفکیک شد؛ اول طرح دعوا راجع به معاملات مربوط به اموال غیر منقول دارای سند رسمی به اسم صاحب مال و دوم غیر این معاملات. در مورد معاملات مربوط به دسته ی اول اموال، معامله به صورت اجاره و قرارداد غیر رسمی (قولنامه) جایز است اما برای انتقال رسمی و یا طرح دعوا راجع به همان قرارداد غیر رسمی، ذی نفع به حساب نمی آید و در مورد دسته دوم معاملات یعنی اموالی که دارای سند رسمی نیستند هم اجازه انجام معاملات راجع به آن ها را خواهد داشت و هم در طرح دعوی راجع به آن ها ذی نفع خواهد بود.

## ۸- نتیجه گیری

علیرغم پیشینه بلند تاریخی ذی نفعی ثالث در عقد، سرعت فن آوری و گونه گونی مسایل حقوقی مرتبط با آن باعث گردیده تا ضرورت باز نمایی موضوع به عنوان یک مساله مبتلا به جامعه و به ویژه در حقوق

مالکیت فکری بار دیگر مورد مذاقه حقوقی قرار گیرد. مسایل حقوقی نوینی همچون ذی نفعی ثالث در توافق ائتلافی حق اختراع، قرارداد لیسانس، قرارداد لیسانس فرند فن آوری و موضوع ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک که ذی مدخل بودن ذی نفعی ثالث را تقویت می نماید و ذی نفعی در اداره ی فضولی مال غیر از مباحث چالشی است که نیازمند تحلیل حقوقی نوینی می باشند. از طرفی اشاره تنها فقط یک ماده از قانون مدنی به این موضوع، ضرورت بازنگری، اصلاح و یا حتی قانونگذاری جامع تری در این زمینه را منتفی نمی سازد. اینکه برای هر دعوا یا درخواستی که مدعی یا خواهان از دادگاه دارد بایستی نفعی وجود داشته باشد امری عقلی و قانونی است. از حیث اینکه آیا مواد قانونی راجع به نفع ایراداتی دارند یا خیر که برای اصلاح آنها پیشنهادهاتی داده شود، باید گفت این قوانین جامع نیستند اما هر آنچه که آمده است عقلی و قابل تقدیر است. با استفاده و تفسیر قوانینی که در این زمینه یعنی نفع وجود دارد محققین به تفحص در این زمینه پرداخته و سایر نیازهای جامعه که در قوانین وجود ندارد را به کمک علم اصول فقه و قواعد آن از جمله قیاس مورد بحث قراردادده اند. می توان گفت با توجه به مبنا و نیت قانونگذار در ایجاد نهاد های حقوقی همچون توافق ائتلافی حق اختراع، قرارداد لیسانس و لیسانس فرند فن آوری و اداره فضولی مال غیر که بر گرفته از نیازهای جامعه ایست که در آن زندگی می کنیم بایستی دادگاهها نیز به استنادات و دلایل ذی نفعی ثالث در چنین قراردادهایی یا در اداره کننده ی فضول که با حسن نیت این اداره را انجام داده است توجه نموده و در صدور آراء مد نظر قرار دهند. دیگر آن که قانون گذار ایرانی راه حل حقوقی برای نظاممند سازی استانداردهای فنی در حوزه مالکیت فکری ارایه ننموده است در حالی که با وجود چنین استانداردی بنگاههای ایرانی می توانند در مقام ذی نفع ثالث اجرای تعهدات لیسانس فرند را از دارندگان فن آوری ضروری استاندارد تقاضا نمایند. برای دخالت ثالث در ارتباطات افراد چه قرارداد و چه غیر آن، قواعد محدودی وجود دارد اما تا همین اندازه هم می توان نتیجه گرفت که دخالت ثالث در برخی موارد نیاز ارتباطات بشری می باشد که با توجه به احکام و قواعد حقوقی و تفاسیر علماء حقوق بایستی در جامعه مد نظر قرار گرفته و مورد توجه قضات محترم در رفع اختلافات ناشی از آن باشد.

## قران

- ۱- السنه‌پوری، عبدالرزاق، (۱۹۸۹)، م، مصادرالحق، چاپ مصر.
- ۲- امامی، حسن، (۱۳۴۰)، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، قم.
- ۳- انصاری، رضا، سلطان‌زاده، جواد (۱۳۹۱)، «ارائه چارچوب برای پیاده‌سازی مدیریت فناوری در بنگاه‌های فناوری محور»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال ۸، شماره ۳۲.
- ۴- انصاری، مرتضی، (۱۴۳۴ق)، المکاسب، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- ۵- ایروانی، باقر، (۱۳۹۰ ش)، الدروس التمهیدیه فی قواعدالفقهیه، دارالفقه للطباعه والنشر، قم.
- ۶- بهرامی، بهرام و بهرامی، زهرا، (۱۳۹۲)، معامله فضولی و انتقال مال غیر، نشر نگاه بینه، تهران.
- ۷- جبعی عاملی (شهیدثانی) زین الدین (۱۳۹۶ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، تحقیق وتعلیق سیدمحمد کلانتر، انتشارات علمیه، قم.
- ۸- حرعاملی، محمدبن الحسن، (۱۳۹۹ق)، وسائل الشیعه، تصحیح وتحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، المکتبه الاسلامیه، تهران.
- ۹- حسنی، حسن، (۱۳۹۲)، حقوق تجارت، بنیاد حقوقی میزان، ج ۴، ج ۲، تهران.
- ۱۰- حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، (بی تا)، مفتاح الکرامه، مؤسسه ال‌البت (ع)، قم.
- ۱۱- حسینی مراغه‌ای، میرعبدالفتاح، (۱۴۱۷)، العناوین، مؤسسه نشراسلامی، ج ۲، قم.
- ۱۲- حلی جمال الدین حسن بن یوسف (معروف به علامه حلی)، (بی تا)، تذکره الفقهاء، منشورات مکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه تهران.
- ۱۳- خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۴۱۴ق)، مبانی العروه الوثقی، المطبعه العلمیه، قم.
- ۱۴- شریعت، محسن، (۱۳۸۵)، عقد فضولی، انتشارات بهینه، ج ۱، تهران.
- ۱۵- صادقی، محسن (۱۳۹۰)، «نقش حقوق مالکیت فکری در کاهش قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۲.
- ۱۶- صفر، محمد، (۱۳۸۶)، ورشکستگی، شرکت سهامی انتشار، ج ۱، تهران.



- ۱۷- فرحناکیان، فرشید. (۱۳۹۱). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان.
- ۱۸- فلاح، علی، (۱۳۸۹). کمک حافظه آیین دادرسی مدنی، نشر دوران‌دیشان، ج ۱، تهران.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، الزامات خارج از قرارداد، دانشگاه تهران، ج ۲، تهران.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، (اموال و مالکیت)، بنیاد حقوقی میزان، ج ۱۳، تهران.
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، ج ۲۸، تهران.
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۱)، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، ج ۳، ج ۷، تهران.
- ۲۳- کرکی، علی بن الحسین، (۱۴۰۸ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد.
- ۲۴- گیلانی قمی، میرزا ابوالقاسم، (بی تا)، رساله خطی حکم شیربها، مجله فقه اهل بیت.
- ۲۵- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن حلی، (۱۳۶۰)، شرایع الاسلام، نشر دارالهدی، ج ۱، قم.
- ۲۶- محقق اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۸ ق)، حاشیه المکاسب، قم.
- ۲۷- مکی عاملی (شهیداول) محمد، (۱۴۱۴ق)، الدروس الشرعیة، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۲۸- مکی عاملی (شهیداول) محمد، (۱۹۷۹م)، القواعد والفوائد، تحقیق دکتر عبدالهادی حکیم، منشورات مکتبه المفید، قم.
- ۲۹- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۱ق)، المکاسب، المحرمه، چاپ مهر، ج ۲، قم.
- ۳۰- موسویان، ابوالفضل، (۱۳۸۲)، ماهیت حق، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۱، تهران.
- ۳۱- نائینی، میرزا محمدحسین، (۱۴۲۳ق) منیه الطالب، مقرر موسی نجفی خوانساری، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۳۲- یزدی، سید محمد کاظم، (بی تا)، حاشیه المکاسب، مکتب الشمس، قم.

۱. Arsego, D. (۲۰۱۵). *The Problem with FAND: How the Licensing Commitments of Standard-etting Organizations esult in the Misvaluing of Patents*, Brooklyn Journal of International Law, Vol. ۴۱, ۰۰. ۲۵۷-۲۵۷.
۲. Berg Heidel, (۲۰۱۵). *The passing of risk a comparison between CISG and German law* , <http://www.CISG.law.pace.edu/> , p۲۵۴, Accessed ۱۰ May ۲۰۱۵.
۳. [Hakimah Yaacob](#), (۲۰۱۵). *Al-sharbini, al-Khatib, Mughni al-muhtaj, vol. 2, pg.15, al-Bahuti, Kashshaf al-Qina'*, vol. ۲, pg.۱۱, and IbnHazm, al-Muhalla, vol.۸, pg.۵۰۳.
۴. Hamzah & Ahmad, (۲۰۱۵). *Tasarruf fuduli) as a mechanism for ratification of contract, shariah section, islamic banking and takaful department central bank of Malaysia*, ۲۳rd of July ۲۰۱۵.
۵. Kritzer , A., H. (۲۰۱۴). *Guide to practical applications of the united nations conventions on contracts for the international sale of goods*, publishe by Kluwer , Boston , ۲۰۱۴ , p۴۵۹.
۶. Lerner, J. Marcin Strojwas, J. T. (۲۰۰۷). *The design of patent pools: the determinants of licensing rules*, The Rand Journal of Economics, Vol. ۳۸, No. ۳.
۷. Schelechtim, P. (۲۰۱۳). *Commentary on the UN convention on the international sale of goods* , ۲<sup>nd</sup> Ed , Oxford University press , ۲۰۱۳ , p۵۷۰.

۸. Schwartz, A., R. E.Scott, (۲۰۱۵). *Third party beneficiary & contractual networks*, Journal of legal analysis, Vol.۷, Issue ۲, ۳۲۵-۳۶۱.

۹. Zimmerman, R. (۲۰۱۶). *The law obligation roman foundations of the civilan tradition*, oxford clarendon. Available at: <http://scholarship.law.duke.edu/djcil/vol۲/iss۲/۶>, Jan ۲۵ ۲۰۱۶-۰۶-۱۵.

مقاله ها و پایان نامه ها

روحی زاده، علی ومجید عباس تبار، (۱۳۹۶)، رای اعلامی پیشگیرانه و حمایت از ناقضان بالقوه حق اختراع، دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش. ۷۷ و ۷۸، صص ۱۱۳-۱۳۱

رهبری، ابراهیم و فاطمه یزدان دوست، (۱۳۹۷)، نقش لیسانس فرند فن آوری در تسهیل فرآیند تعیین استانداردهای فنی، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۳۷۳-۳۹۴

شاهنده، وحید و ایزدی فرد، علی اکبر. (۱۴۰۱). بررسی فقهی و حقوقی فاکتورینگ (عاملیت) با حق رجوع. مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. doi: ۱۰۰۰-۷۵. 18(۶۸), ۶۹۴۹۱۰. ۱۰,۲۲۰۳۴/ijrj.۲۰۲۲,۶۹۴۹۱۰

علی محمدی، مهین، (۱۳۹۲)، پایان نامه "بررسی جایگاه مفاهیم نفع و سمت در دعاوی مدنی"، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات استان ایلام. پژوهش‌های علمی و مطالعات فقهی  
عیسائی تفرشی، محمد، کییری شاه‌آبادی، حمید (۱۳۹۳)، «تحلیل حقوقی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران: شرایط تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک» پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۲.

محقق داماد، مصطفی و صادقی، محمود، (۱۳۷۹)، مقاله تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه، مجله

مدرس، دوره ۴، ش. ۴۰